

کودتای ۲۸ مرداد راهکار غرب برای مواجهه با چالش فرهنگی-معنایی نهضت ملی شدن نفت ایران

۲۷ مرداد ۱۴۰۲ ساعت ۲۳:۴۰

کودتای ۲۸ مرداد به مثابه یک سد و مانعی برای جلوگیری از صدور نهضت ملی نفت ایرانیان عمل کرد. رخدادی که الگو پذیری کشورهای دیگر از ایران را با روندی کاهنده مواجه ساخت. به تعبیر بسیری از متفکرین جریان انتقادی از جمله والرشتاین تمام رفتارهای استعمارگرایانه و استثمارگرانه قدرتهای مرکز از قضا بر بستر فرهنگی خاص یا فرهنگ هژمونیک در حال وقوع است. فهم این موضوع زمانی حاصل میشود که کمی بر روی مفهوم هژمونی گرامشی و بحث مبسوط آن درباره هژمونی فرهنگی دقیق بشویم.

در باره کودتای ۲۸ مرداد و چرایی و چگونگی این رویداد تا کنون مباحث متنوعی مطرح شده است. سایت کافه تاریخ به بهانه سالگرد این رویداد مهم تاریخ معاصر ایران در گفتگویی که با دکتر جواد حق گو، استاد روابط بین الملل و عضو هیات علمی دانشگاه تهران ترتیب داده تلاش کرده تا این رویداد را از منظر یک استاد و متخصص حوزه روابط بین الملل بررسی نماید. به باور ایشان فهم این رویداد و در مجموع رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران بدون توجه به متغیرهای بیرونی و ساختاری ابتر خواهد بود. نقش بازدارنده کودتای ۲۸ مرداد برای جلوگیری از تکثیر فرهنگ ملی شدن صنایع دیگر موضوعی است که در این گفتگو مورد توجه قرار گرفته است. مشروح این گفتگو را در ادامه میخوانیم:

***به عنوان سؤال اول بگویید آیا میشود کودتای ۲۸ مرداد را از منظر مولفه قدرت به عنوان عنصر اصلی سیاست بین الملل تبیین کرد؟ اگر آری چگونه؟

گفتگو را از جای بسیار خوبی شروع کردید. پاسخ سؤال شما قطعاً آری است. به جهت اینکه شخصاً معتقدم بسیاری از رویدادهای داخلی کشورهای مختلف نظیر ایران بدون توجه به مولفه های بیرونی اساساً امکان تبیین درست ندارد. ببینید از نظر طرفداران نظریات کارگزارمحور آنچه مورد اهمیت است شخص و توجه به بررسی شخصیت افراد و عوامل عمدتاً داخلی است و عوامل ساختاری به ویژه ساختار نظام بین الملل در حاشیه قرار می گیرد. اهمیت این رویکرد تا بدانجا است که اساساً نقش فرد را تنها به عنوان یک بازیگری که در ساختار برایش نقشی تعریف شده ادراک میکند.

متأسفانه همین نگرش غیرساختاری و کارگزارمحور درونگرا باعث شده تا مباحثی که در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد مطرح می شود

به ذکر رویداد میپردازد و نمیتواند چرایی و حتی چگونگی این رویداد را به طور دقیق تبیین نماید. برای حل این مشکل بهره مندی از رویکردهای ساختاری و یا حتی در سطحی کلانتر نگرشهای در سطح نظام جهانی که مفهومی عام تر از ساختار است بسیار میتواند کمک کند. در این میان نظریه نظام جهانی والرشترین ظرفیت بسیار مطلوبی برای تحلیل رویداد کودتا دارد. بر اساس این رویکرد نظری که به هر حال نگرشی از بیرون به درون دارد و عمدتاً وقایع داخلی کشورها را بر مبنای جایگاه هر بازیگر در سیستم جهانی تبیین میکند می توان وقایع ۲۸ مرداد را به خوبی تحلیل نمود و تاثیر پویایی های سیستم بر رقم خوردن رویدادی نظیر کودتا را ادراک نمود.

***لطفا کمی دقیقتر توضیح دهید که چگونه میتوان با این رویکرد نظری رویداد کودتای ایران را تحلیل کرد. ببینید این رویکرد نظری ذیل رویکردهای انتقادی روابط بین الملل یک نوع باورمندی دارد که بر اساس آن رویدادهای مهمی چون کودتا در کشورها و یا انقلاب و . . . بدون توجه به منافع و خواست قدرتهای مرکز (مرکز نظام سرمایه داری) امکان وقوع و به تبع امکان تبیین ندارد. بر اساس این نگرش تداوم رابطه کشورهای شمال و جنوب و یا مرکز و پیرامون و تداوم و بقای کشورهای بزرگ در عقب نگه داشتن کشورهای پیرامونی و حتی نیمه پیرامونی عاملی برای وقوع رویدادهایی نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حتی کودتا ۳ اسفند سال ۱۲۹۹ بوده است. باید توجه شود که در آن دوره زمانی ایران در نظام جهانی به عنوان مصرف کننده کالاهای وارداتی کشورهای عمدتاً مرکز یا نیمه پیرامون و تولید کننده مواد خام برای این کشورها تعریف شده بود و همین موضوع عاملی برای نگرانی کشورهای همچون امریکا جهت از دست رفتن منافعشان محسوب می شد.

***منظورتان از این موضوع که منافعشان از دست میرفت چیست؟ مگر چه مناسباتی بین کشورهای چینی یا انگلیس با ایران وجود داشت که اگر کودتا نمیشد منافعشان آسیب میدید ببینید در آن بازه زمانی کشورهای مرکز نظیر انگلیس و ایالات متحده به دلیل اینکه ملی شدن نفت ایران و تداوم غلبه رویکردهای ملی گرایانه نمیتوانست درآمدها و کنترل به خصوص انگلستان از منابع نفتی ایران را با چالش مواجه نماید مجبور بودند تا با استفاده از روشهای مختلف برای تحقق این موضوع مانع ایجاد نمایند. البته این موانع طیف متنوعی از موضوعات است که کودتای نظامی تنها یکی از این موارد به شمار می آید. منتها آن بازه زمانی کلاً استفاده از کودتا خیلی باب هم شده بود و به عنوان یکی ابزار در سیاست خارجی کشورهای چینی یا ایالات متحده برای چندین مرتبه در قرن بیستم مورد استفاده هم قرار گرفت و اتفاقاً یکی از اولین جها همین ایران بود. البته غیر از این موارد نباید از مولفه هراس غربی ها از تشدید حضور کمونیست ها در ایران غفلت شود. بالاخره این مورد هم بسیار مهم بود.

***به نظر شما نهضت ملی شدن صنعت نفت چه تاثیری بر کشورهای دیگر گذاشته بود که از ابزار کودتا برای ساقط کردن دولت دکتر مصدق استفاده شد.

ببینید این زاویه بحثی هم که با این سوال باز کردید به نظرم خیلی جذاب است و از زوایای مختلف میشود بدان پرداخت. بدون تردید پیامدهای ملی شدن نفت ایران را میتوان از منظرهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد واکاوی قرار داد که هر کدام از اینها موضوع بحثی جداگانه است. منتها من در اینجا بیشتر میخواهیم و تمایل دارم از منظر قدرت نرم و بحث فرهنگ جهانی به این موضوع بپردازم. واقعیت آن است که رویداد مهمی چون نهضت ملی شدن صنعت نفت فرهنگ جهانی مدنظر غربی ها را با چالش جدی مواجه نمود. فرهنگی که در آن ملی شدن صنایع و اساساً حرکت ملتها در مدار استقلال خیلی محلی از اعراب نداشت و برای هر کشوری در جهان به ویژه کشورهای جنوب یک نقش و دستورکار مشخص توسط مرکز نظام سرمایه داری تعریف شده بود. نهضت ملی نفت ایران به نوعی این موضوع را با چالشی اساسی مواجه ساخت و بدون تردید در صورت موفقیت و تداوم میتوانست اثرات گسترده ای بر دیگر ملتهای جهان بگذارد. دقیقاً همین موضوع هم باعث شد تا کودتا به مثابه یک سد و مانع برای جلوگیری از صدور نهضت ملی نفت ایرانیان عمل نماید. کودتایی که الگو پذیری کشورهای دیگر از ایران را با روندی کاهنده مواجه ساخت. به تعبیر بسیری از متفکرین جریان انتقادی از جمله والرشتاین تمام رفتارهای استعمارگرایانه و استثمارگرانه قدرتهای مرکز از قضا بر بستر فرهنگی خاص یا فرهنگ هژمونیک در حال وقوع است. فهم این موضوع زمانی حاصل میشود که کمی بر روی مفهوم هژمونی گرامشی و بحث مبسوط آن درباره هژمونی فرهنگی دقیق بشویم. بحث مبسوطی که در جای دیگر باید بدان پرداخته شود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49624/کودتا/۲۸-مرداد-۲۸-کودتا/49624>